

## مروری بر رهیافت ها و فرایند جلب مشارکت پایدار مردمی در طرح های

### آبی (بویژه در بخش کشاورزی و روستایی)

محمد بهنام رسولی، مدیرعامل مشاور آبانگاه، عضو شورای عالی مدیریت مرکز همکاری های آب و

علوم اجتماعی

مهدی زینلی، مدیر پروژه در مشاور آبانگاه - عضو شورای عالی مدیریت مرکز همکاری های آب و

علوم اجتماعی\*

\*mahdi12114@yahoo.com

#### چکیده

استفاده کارا، مؤثر و پایدار از سرمایه گذاری های صورت گرفته بخش های مختلف، به ویژه در توسعه منابع آب و خاک، نیازمند بسترسازی و جلب مشارکت متوازن و مؤثر کلیه کنشگران و ذینفعان است. برای این منظور، تعریف نظام بهره برداری پایدار محلی از طریق شناخت دقیق مسئله، شبکه افراد و گروه های درگیر در مسئله و تبیین منافع و منابع هر یک بر پایه نقش و روابط میان آنها، دریافت، فهم متقابل و اقعاع کامل تمامی کنشگران حاضر در منطقه امری کلیدی به شمار می رود. به طور دقیقتر، طرح های توسعه ای در زمینه مدیریت مشارکتی هنگامی موفق خواهند بود که بهره برداران و جوامع محلی ذینفع، به طور کامل و عینی به دستاوردها و خروجی آن نیاز داشته (محور انتفاع) و از فرصت و توانمندی مشارکت فعال و مسئولانه در سطوح مشخص و تعریف شده ای از فرایند بهره برداری، بهسازی و نگهداری آن برخوردار باشند.

کلید واژه: کشاورزی، منابع آب، مشارکت مردمی، توسعه،

#### ۱- مقدمه:

آنچه در مسیر موفقیت مشارکت پذیری مردمی حائز اهمیت است، لحاظ مؤلفه های اجتماعی و لوازم و ضوابط فعالیت در این حوزه به عنوان فضای بین رشته ای (مهندسی - اجتماعی) نوپا و تعریف و استقبال از فضای گفتگو و تعامل صادقانه و سازنده به دور از پیش فرض های محدودکننده است. تکیه بر استانداردها و مدل پروژه های سازه ای و سخت افزاری (فنی) یا پیشبرد از طریق سازوکارهای رایج تئوریک و پژوهشی محور در حوزه علوم انسانی، هیچ یک به تنهایی مدل مناسبی برای پیشبرد فعالیت های بین رشته ای نیست و لازمه موفقیت در این زمینه انعطاف و طرح ریزی خلاقانه و مبتکرانه برای حصول حداکثر نتایج و دستاوردهاست. همچنان که ذکر شد، لازمه ایجاد روابط و سازوکار پایدار مبتنی بر بستر اجتماعی، تعریف اقدامات اعتمادساز و ظرفیت سازی برای جلب مشارکت و همراهی ذینفعان در

مسیر حل مسئله است. پیشنهاد این مهم، تفاهم طرفین و درک منافع مشترک و همسوست تا متضمن حسن روابط و پایداری نظام های استقرار یافته باشد. در این باره توجه به این مسئله ضروری و کلیدی است که اقدامات و برنامه ریزی های اجتماعی پروژه نیست، بلکه پروسه است که باید به دقت طرح ریزی و راهبری شود.

### ۲- سرفصل های رهیافت مشارکت مردمی

بر این اساس، نیاز است طراحان و برنامه ریزان مدیریت مشارکتی، پیش از هرگونه فعالیتی، برای برنامه ریزی و تعریف پروسه بسترسازی، اعتمادسازی و جلب اعتماد جوامع محلی برای مشارکت و حرکت در راستای سازوکار انتقال بهره برداری اقدام کنند؛ برنامه ریزی ای که مبتنی بر بهره مندی از اصول و ساختار علمی و مبانی تئوری دقیق است، که سرفصل هایی از آن در ادامه معرفی می شود.

### ۲-۱ مدل سازی اجتماعی و آنالیز کنشگران

مدلسازی اجتماعی (عامل محور) روشی تحلیلی در علوم اجتماعی محسوب می شود که به سرعت توسعه یافته است. این مدل به عنوان رهیافتی روش شناسی در مطالعات اجتماعی بر عامل های اجتماعی به جای متغیرهای اجتماعی تکیه دارد. آنالیز کنشگران، در همین راستا و به طور مکمل، ابزار شناخت و ترسیم الگوی کنشگران، منافع و منابع (قدرت) هر یک و روابط فی مابین را نتیجه می دهد.

### ۲-۲ رویکرد فراتسهیل گری

فراتسهیلگری فرایندی است که با کمک آن، ابتکار عمل، خلاقیت و همچنین قدرت تصمیمگیری به کنشگران و ذی مدخلان انتقال می یابد و زمینه حضور مؤثر آنان در مذاکرات و روند تصمیم سازی و تصمیم گیری را مهیا می سازد. این رویکرد را نخستین بار آژانس همکاری های بین المللی ژاپن (جایکا) در استان گلستان به صورت الگویی پیاده سازی کرده است. در ارتباط با موضوع تسهیل گری و فراتسهیل گری باید توجه داشت آنچنان که در برخی موارد به اشتباه مورد اشاره یا کاربرد قرار گرفته است، هدف القای مقصود و برنامه خاصی در ذهن مخاطب نیست، بلکه آرمان تسهیل گر، توانمند کردن مخاطب برای رسیدن به نتیجه و برنامه دقیق و کارا در مسئله است. در این زمینه، پذیرش اشراف مخاطب بر نیاز خود و تعهدپذیری آن بر تصمیم منتج از شناخت و اراده خود می بایست اصل اولیه ای باشد که تسهیل گر به آن باور و اعتقاد دارد.

### ۲-۳ نظریه نوکار کردگرایی

این نظریه بر این باور است که زمینه همکاری میان کنشگران مختلف را ابتدا باید در سطح خرد و میان مدت تعریف کرد تا پس از سرریز تعامل صورت گرفته، در سطوح بالاتر امکان همکاری طولانی مدت و تفاهم های اساسی فراهم آید. بدین ترتیب، بستر اعتماد لازم برای سازوکار بلندمدت فراهم می آید و زمینه بروز تعارضات جدید به شدت کاهش می یابد. بنابراین، پیاده سازی الگوی اولیه ساده ای از همکاری و تعامل و بروز فضای سازنده و جلب اعتماد متقابل، مقدمه ای بر توسعه همکاری ها در سطوح بالاتر و توافقات نهایی را پدید خواهد آورد.

نبود وجود منابع (قدرت) همسو و متعادل در میان کنشگران مختلف منجر به بیحاصل بودن مذاکرات و فضای اعمال نظر (یکسویه) به جای تبادل نظر و تفاهم می شود. مدیریت شرایط به نحوی که بین کنشگران مختلف در مسئله ایجاد تعادل شود و هم افزایی برای رفع مشکل مستقل از نقاط افتراق به وجود آید، رهیافت اصلی استفاده از تکنیک های این روش مدیریتی است.

### ۲- بهره مندی از روش های نوین مذاکره

مذاکره مؤثر به عنوان گام اساسی در گردآوری کنشگران و ایجاد همبستگی منافع حائز اهمیت ویژه است. تعریف بهترین گزینه ممکن (BATN) و استخراج منافع و تهدیدهای هر انتخاب در جهت حداکثر کردن منافع جمعی از جمله امتیازات فراهم آمده از طریق راهبردهای مذاکره است که می بایست به طور اصولی مدنظر قرار گیرد.

### ۳- جمع بندی و فرایندسازی

بر پایه بهره مندی از اصول و رهیافت های مورد اشاره، اقدامات و برنامه های طراحی شده برای پروژه ها و طرح های مدیریت مشارکتی را می توان به چهار مرحله تقسیم بندی کرد:

- مرحله اول (شناخت مسئله و گردآوری اطلاعات)

شناخت مسئله و انجام مطالعات اولیه (در محورهای اجتماعی، اقتصادی، فنی و حقوقی عرفی) با تأکید بر آنالیز کنشگران، همچنین جمع آوری و ارزیابی اطلاعات بهره برداری و سازوکارهای موجود اولین گام در تعریف مشارکت و جلب همراهی مؤثر بهره برداران و جوامع محلی است که بستر و سنگ بنای اقدامات بعدی را به شکلی روشنگرانه شکل خواهد داد.

- مرحله دوم (تعریف دوران مشارکت میانمدت)

تعریف برنامه مشارکت و بهره برداری میان مدت از طریق ایجاد تفاهم و سازوکار موقت فی مابین حاکمیت و جوامع محلی به منظور ایجاد فضای اعتمادسازی، همچنین امکان تکمیل و نهایی سازی مطالعات مبتنی بر اطلاعات میدانی و تجربی، گام دوم اقدام است که با تکیه بر نظریه نوکارکردگرایی به دنبال اعتمادسازی و فراهم آوردن سرمایه اجتماعی لازم برای شکل گیری همکاری ای پایدار و آگاهانه است. در طی این دوران، به طور همزمان با بهره برداری، بستر آموزش و توانمندسازی جوامع محلی برای ظرفیت سازی انتقال مدیریت درازمدت فراهم می آید. سطح مطلوب واگذاری و سازوکار آن، از جمله موارد اساسی است که در طی مرحله دوم به آن پاسخ داده خواهد شد.

- مرحله سوم (تعریف سازوکار مشارکت بلندمدت)

تعریف سازوکار و نظام مشارکت و بهره برداری درازمدت بر بستر اعتماد ایجاد شده و ارزیابی و پایش دوران موقت، همچنین مطالعات نهایی شده در طی مراحل اول و دوم و استقرار آن، به عنوان هدف عملیاتی مقصود پروسه مورد نظر، در گام سوم محقق خواهد شد. در این مرحله، ضمن استخراج مدل و نظام مشارکت درازمدت اقدام به پیاده سازی و استقرار نظام مشارکت پایدار (در سطوح پیشنهادی بر اساس مطالعات) خواهد شد.

- مرحله چهارم (تثبیت و پایدارسازی)

نهای مشارکت پدید آمده در مرحله سوم، نوپا و آسیب پذیر است و لازم است با برنامه های حمایتی و نظارتی دقیق، تا شکل گیری ابزارهای استقرار پایدار نظام مشارکت از آن مراقبت و حراست شود. گفتنی است که با توجه به رویکرد مدلسازی و برنامه ریزی اجتماعی عامل محور، فرایند معرفی شده، پویا (دینامیک) و مبتنی بر پایش های صورت گرفته در هر مرحله، قابل تدقیق و تکمیل خواهد بود.